



Jurisprudential and Legal Study of the Difference Between the Diyat of Man and Woman from the Perspective of Discrimination Against Woman

Nazila Dabagh

Master of Criminal Law and Criminology, Lecturer at
Kharadgarayan Motahar Institute of Higher Education, Mashhad
nazila.dabagh@yahoo.com

Abstract

Nowadays, the difference between man and woman's blood money is one of the most important issues that is controversial in Iranian legal and criminal law and has created many doubts in the minds. Despite the Islamic religion's emphasis on equal rights for individuals, the Islamic Penal Code contains different provisions for men and women, some of which are protective of women and others, such as the age, criminal responsibility, testimony, blood money, and retribution, are seemingly discriminatory. According to Article 550 of this law, a woman's diyat is half of a man's diyat, and the reason for this, in addition to some jurisprudential reasons, is the difference between the social and economic status of women compared to men. The issue is the difference between blood money and retribution between men and women. According to the famous fatwa of the jurists, a woman's diyat is half of a man's diyat, and in injuries it is believed that a man and a woman are equal to one third of the diyat, and more than that, a woman's diyat becomes half a man's diyat. Therefore, there is a difference between men and women in the matter of blood money, but not because the price of a man is higher than a woman, no, there is retaliation for both, soul for soul, but some jurists argue that because in the field of economic issues, a man is mainly active and the source of wealth and the production of wealth, they consider the inequality of blood money as a rational thing, and thus incite discrimination against women and consider it a trivial thing. The difference between the diyat of a man and a woman is related to the conditions and requirements of the time of the beginning of Islam; considering the change in the conditions, requirements and criteria in our time, we should consider the diyat of women as equal to men.

Keywords: difference between diyat of man and woman, women's rights, philosophy of diyat

Received: 17/January/2021

Accepted: 19/April/2022

ISSN: 2783-3631



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی فقهی و حقوقی تفاوت دیه‌ی زن و مرد از منظر تبعیض علیه زنان

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، مدرس مؤسسه غیرانتفاعی خردگرایان مطهر، مشهد
nazila.dabagh@yahoo.com

نازیلا دباغ

چکیده

امروزه تفاوت دیه زن و مرد یکی از مسائل مهمی است که در قانون حقوقی و کیفری ایران بحث برانگیز بوده و شبهات زیادی در اذهان ایجاد کرده است، با وجود تأکید دین اسلام بر برابری حقوق افراد، قانون مجازات اسلامی حاوی مقررات متفاوتی درباره زن و مرد می‌باشد که برخی در مورد زنان جنبه حمایتی دارد و برخی دیگر مانند سن، مسؤولیت کیفری، شهادت، دیه و قصاص به ظاهر تبعیض آمیز است. براساس ماده ۵۵۰ این قانون، دیه زن نصف دیه مرد است و علت آن علاوه بر برخی دلایل فقهی، تفاوت جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان در برابر مردان ذکر شده است. موضوع تفاوت دیه و قصاص بین زن و مرد است. بر اساس فتوای مشهور فقها دیه زن نصف دیه مرد است و در جراحات بر این باورند که زن و مرد تا یک سوم دیه برابرنند و بیش از آن دیه زن نصف دیه مرد می‌شود. بنابراین در امر دیه بین زن و مرد تفاوت وجود دارد، اما نه به خاطر این که قیمت مرد بیشتر از زن است، نه، قصاص در مورد هر دو وجود دارد نفس در مقابل نفس، اما برخی از فقها با استدلال این که چون در میدان مسائل اقتصادی، مرد عمدتاً فعال و منشأ مال و تولید ثروت است، عدم تساوی دیه را امری عقلانی می‌دانند و به این گونه بر تبعیض علیه زنان دامن می‌زنند و آن را امری پیش پا افتاده تلقی می‌کنند. تفاوت دیه زن و مرد ناظر به شرایط و مقتضیات زمان صدر اسلام بوده و با توجه به تغییر شرایط و اقتضانات و معیارها در این زمان، دیه زنان نیز همانند مردان و برابر باشد.

کلید واژگان: تفاوت دیه زن و مرد، حقوق زنان، فلسفه دیه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

با توجه به نقش زنان در اجتماع، حکم دیه مبنای عقلانی ندارد. دیه در قرآن کریم در یک آیه یعنی «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةً وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ و هیچ مؤمنی را نسزد که مؤمنی را جز به اشتباه بکشد و هر کس مؤمنی را به اشتباه کشت باید بنده مؤمنی را آزاد و به خانواده او خون‌بها پرداخت کند مگر این که آنان گذشت کنند و اگر [مقتول] از گروهی است که دشمنان شمایند و [خود] وی مؤمن است [قاتل] باید بنده مؤمنی را آزاد کند [و پرداخت خون‌بها لازم نیست] و اگر [مقتول] از گروهی است که میان شما و میان آنان پیمانی است باید به خانواده وی خون‌بها پرداخت نماید و بنده مؤمنی را آزاد کند و هر کس [بنده] نیافت باید دو ماه پیاپی به عنوان توبه‌ای از جانب خدا روزه بدارد و خدا همواره دانای سنجیده کار است» (سوره نساء/آیه ۹۲) بیان شده است.

قرآن کریم جایگاه مساوی برای زن و مرد قائل است، در بحث عدالت، فرقی بین زن و مرد قائل نمی‌شود. عدالت را محدود به جنس خاصی نمی‌کند و در عرف امروز میان عقلا اگر بخواهند تبعیض میان زن و مرد قائل شوند خلاف عدالت و کرامت انسانی تلقی می‌شود. اگر بخواهیم نگاه دیگری به ساختار احکام داشته باشیم، دسته‌ای از احکام تبعیدی هستند که راز آن‌ها را بندگان نمی‌دانند و امور پنهان هستند، اما احکام اجتماعی، فلسفه روشن و مبنای عقلایی دارد. در عصر پیامبر(ص)، قانون متناسب با وضعیت زنان اجرا شده و روایاتی که بیان شده ناظر بر وضعیت تاریخ و همان عصر است. امروز اگر دیه زن را نصف دیه مرد در نظر داشته باشیم یک نوع وسیله برای سودجویی فراهم می‌آورد؛ لذا این حکم در حال حاضر زمینه‌ی پیشگیری از جرم را ندارد. به نظر می‌رسد اختلاف دیه زن و مرد، خلاف مصلحت نظام است.

دیه عاقله، متناسب با فرهنگ آن قبایل و تابع آن شرایط بوده، اما امروز مسائل دیگری اقتضا می‌کند و عقلا، مبنای و روش‌های دیگری دارند، امروز اگر بگوییم که دیه زن و مرد مساوی نیست، برخلاف رفع اضطرار است. بنای عقلا ذاتاً اعتبار دارد، در گذشته برده‌داری را تأیید می‌کردند، اما در دوران دیگر این روش را تغییر دادند.

مطابق شرع اسلام و قوانین کشور، هر کس عمدتاً یا در نتیجه‌ی بی‌احتیاطی، به جان، سلامتی یا مال دیگری لطمه‌ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود خواهد بود. مجازات اصلی به ۴ نوع مجازات تقسیم می‌شود که از قرار قصاص، مجازات حدی، مجازات تعزیری و مجازات دیه است (اصغری و همکاران، ۱۳۹۴).

در خصوص مقابله با آسیب‌های جسمی، پرداخت دیه و ارش مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است که پرداخت دیه در مواردی به عنوان مجازات اصلی مرتکب در نظر گرفته می‌شود و در برخی موارد نیز به جای قصاص بایستی دیه پرداخت شود. در این مقاله به دنبال آن هستیم تا ابتدا به مفهوم و تعریف دیه پرداخته و در ادامه به بررسی میزان دیه زن و مرد و برابری و عدم برابری آن را مطرح کنیم.

۱- پیشنهادی تحقیق

دیه در قانون مجازات پیش از اسلام وجود داشته است و پیشینه‌ی تاریخی دارد و مناسب با احوال همان منطقه وضع شده است. از این لحاظ امری ناشناخته و ماورایی نیست. برای نمونه در جزیره‌العرب دیه رئیس قبیله بیش از سایر افراد بود، دیه فرد عادی از قبیله‌ای که قوی‌تر بود بیشتر از دیه فرد قبیله ضعیف بود.

در نخستین مجموعه قانونی که در قرن هفتم میلادی در انگلستان تدوین شده و به نام «شاه ساکسونی»^۱ معروف گردید، مجنی علیه در انتقام یا گرفتن دیه مخیر شناخته شده است، چنانچه نظام پرداخت دیه در جزایر بریتانیا و در میان عشایر ژرمن نیز وارد گردید.

همچنین، کتابها و مقالات بسیاری در زمینه‌ی تفاوت دیه زن و مرد نگاشته شده از جمله: تفسیرالمیزان از علامه سید محمدحسین طباطبایی (ره)، تفسیر نمونه از آیت‌الله مکارم شیرازی، در بخش تفسیر آیاتی که در این زمینه نازل شده استفاده شده است اما در بخش تاریخی و استدلالی به طور اجمال اشاره شده است.

مهرپور، حسین. (۱۳۷۷). بررسی تفاوت حکم قصاص، نامه مفید قم، ۳(۱۴).

بایوردی، سهیلا. (۱۳۸۵). تفاوت زن و مرد در دیه، مجله برهان و عرفان، ۱۰(۷).

بهرامی، محمد. (۱۳۸۰). دیه زن از منظر قرآن و فمینیسم، مجله پژوهش‌های حقوقی، ویژه‌نامه زن در قرآن، شماره ۲۵-۲۶.

مقالات فوق همگی به تحلیل موضوع دیه زن و مرد با رویکرد حقوقی و فقهی پرداخته‌اند. لکن، مربوط به پیش از تصویب قوانین مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و قانون بیمه اجباری مسؤلیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب سال ۱۳۹۵ می‌باشند.

۲- سوالات اصلی

فلسفه تفاوت دیه‌ی زن و مرد از منظر اسلام چیست؟

۳- سوالات فرعی

آیا تفاوت دیه‌ی زن و مرد منافاتی با حقوق زنان دارد؟

چه آیات و روایاتی به فلسفه تفاوت دیه‌ی زن و مرد اشاره دارد؟

۴- دیه

برای پاسخ به این سوال که دیه چیست باید گفت: دیه وجهی است که از فردی که به دیگری صدمه وارد کرده به حکم دادگاه گرفته می‌شود و در شرایطی اعمال می‌شود که مجازات قصاص ممکن نباشد.

قانون‌گذار در ماده ۴۴۵ قانون مجازات اسلامی به تعریف دیه پرداخته و بر اساس آن (دیه مقدار مال معینی است که در شرع به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت یا جنایات عمدی در مواردی که به هر جهت قصاص ندارد، مقرر شده است) همواره نابرابری دیه زن و مرد در جامعه مشکلاتی را به بار آورده است. مخصوصاً برای زنان سرپرست خانوار. به همین دلیل قانون‌گذار راهکاری را پیش‌بینی کرده که از طریق شرکت‌های بیمه در خصوص سوانح رانندگی این برابری میسر گردد.

۵- میزان دیه‌ی زن و مرد

دیه‌ی زن و مرد در اعضا، مادامی که به ثلث نرسیده باشد مساوی است اما زمانی که دیه‌ی جراحت زن به یک سوم دیه‌ی مرد برسد، دیه‌ی زن نصف دیه‌ی مرد می‌شود که با رد تفاوت آن به مرد جانی، می‌تواند او را قصاص نمایند (موسوی خمینی، ۱۴۳۴ ه.ق). برای بررسی این موضوع که میزان دیه‌ی زن و مرد براساس قانون به چه میزان است باید گفت که قانون‌گذار برای حمایت از زنان علی‌الاصول زنان سرپرست خانواده، قانونی را تصویب کرد تا از طریق بیمه، زن و مرد دارای دیه یکسان باشند که این موارد عبارتند از:

۱- براساس قوانین جدید در قانون بیمه شخص ثالث، شرکت‌های بیمه و صندوق تأمین خسارت‌های بدنی موظف به پرداخت دیه زن و مرد به مقدار یکسان شده‌اند. اما باید توجه داشت که این قانون صرفاً مربوط به حوادث رانندگی و شرکت‌های بیمه می‌باشد.

در واقع بیمه‌کننده موظف است، در ایفای تعهدات درج‌شده در این قانون، خسارت واردشده را بدون در نظر گرفتن جنسیت و دین، تا سقف تعهدات بیمه آن را پرداخت نماید. مراجع قضائی موظفند در انشای حکم پرداخت دیه، مبلغ مازاد بر دیه موضوع این ماده را به عنوان بیمه حوادث درج کنند (ماده ۱۰ قانون بیمه شخص ثالث). این قانون به صورت آزمایشی در ابتدا اجرا شد و سپس با تأیید ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث از سوی شورای نگهبان پرداخت دیه برابر برای زن و مرد از سوی بیمه، دائمی شد.

۲- مطابق تبصره ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی: «در کلیه جنایاتی که مجنی علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه‌ی مرد از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود.»

بنابراین در حال حاضر، در کلیه جنایات واقع‌شده اعم از این که ناشی از حوادث رانندگی بوده یا غیر از آن باشد، در صورتی که مجنی علیه یا همان شخصی که جنایت بر او واقع شده، مرد نبوده و در نتیجه دیه تعلق گرفته به وی کمتر از دیه کامل یک مرد باشد، تفاوت دیه وی تا دیه کامل یک مرد، توسط صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود. این ماده از مهم‌ترین اقدامات قانون‌گذار در سال‌های اخیر در جهت تأمین دیه برابر زن و مرد می‌باشد. برای پرداخت دیه، طبق قانون، زمان مشخصی وجود دارد. باید براساس زمان‌بندی که در قانون تعریف شده عمل شود، یا این که دو طرف با یکدیگر در این زمینه توافقی داشته باشند. همچنین، با توجه به آن که دیه کامل انسان هر سال با سال قبل از آن متفاوت است، میزان دیه در زمان پرداخت باید با توجه به نرخ دیه در آن زمان، ملاک عمل قرار گیرد (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۸).

۶- مسئول پرداخت دیه

دیه یک مجازات اصلی است که در قانون برای مجازات افرادی در نظر گرفته شده است که به جان دیگری صدمه‌ایی وارد کرده‌اند. بالاترین دیه مربوط به دیه‌ی کامل انسان است که ابتدای هر سال توسط رئیس قوه قضاییه اعلام می‌شود. مقدار دیه برای صدمه به هر عضو از بدن در قانون مشخص شده است که با توجه به دیه‌ی کامل تعریف می‌شود برای مثال دیه‌ی شکستن ترقوه، در صورتی که درمان نشود، نصف دیه کامل است. با این وجود برای برخی از اعضای بدن، دیه تعیین نشده و این مقدار توسط قاضی با توجه به نظر پزشکی قانونی معین می‌شود که به آن ارزش می‌گویند. وقتی قاضی در حکم دادگاه، مرتکب را به مجازات دیه محکوم کرد، فرد مسئول باید در مهلت مقرر قانونی پرداخت دیه، مقدار آن را به دریافت‌کننده دیه بپردازد. در غیر این صورت می‌توان از او بابت عدم پرداخت مبلغ دیه، شکایت کرد. حال باید بدانیم چه کسی باید مقدار دیه را بپردازد؟ آیا این وظیفه همیشه بر عهده‌ی مرتکب جرم است؟ با توجه به آنچه گفته شد در این مقاله به بررسی مسئول پرداخت دیه از جمله مرتکب، عاقله، بیت‌المال می‌پردازیم.

۶-۱- مرتکب

وقتی جرمی رخ می‌دهد اولین کسی که مسئول جبران خسارات آن جرم و تنبیه شدن بابت آن است، خود مرتکب است. این موضوع درباره محکومین به پرداخت دیه در ماده ۴۶۲ به این صورت آمده است که: «دیه‌ی جنایت عمدی و شبه‌عمدی بر عهده‌ی خود مرتکب است». بنابراین با توجه به این ماده اولین مسئول پرداخت دیه، خود مرتکب است.

لازم به ذکر است که مبلغ دیه را هر سال قوه قضاییه اعلام می‌کند. این دیه برای ماه‌های عادی و غیرحرام است ولی در ماه‌های حرام، دیه تغلیظ می‌شود که ناشی از محاسبه دیه در ماه حرام است.

۶-۲- عاقله

بر اساس ماده ۴۶۸ قانون مجازات اسلامی، «عاقله عبارت از پدر، پسر و بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث است. همه کسانی که در زمان فوت می‌توانند ارث ببرند به صورت مساوی مکلف به پرداخت دیه می‌باشند.» بنابراین عاقله، خویشاوندان مردی هستند که از ارتباط آن‌ها با مرتکب از طریق مادر آن‌ها نیست (مثلاً برادری که فرزند مادر است یا دایی عاقله محسوب نمی‌شوند). بر اساس قانون، عاقله در مواردی مسئول پرداخت دیه است. مسئولیت عاقله در پرداخت دیه مربوط به ۴ مورد زیر است:

- جنایات خطای محض
- فرار متهم در قتل عمدی
- مرگ متهم در قتل عمدی
- جنایات شخص نابالغ یا دیوانه

البته عاقله در صورتی مسئول پرداخت دیه است که عاقل و بالغ باشد، تمکن مالی داشته باشد و نسبتش با مرتکب مشروع باشد. در این مورد فرقی بین دیه‌ی قتل و دیه‌ی اعضای بدن وجود ندارد.

۶-۳- بیت‌المال

آخرین مورد مسئولیت پرداخت دیه با، بیت‌المال است. در ماده ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ آمده است که: «در صورتی که مرتکب دارای عاقله نباشد یا عاقله او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را بر اساس نحوه‌ی واریز دیه، در مهلت مقرر پردازد، دیه، توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن از بیت‌المال پرداخت می‌شود. در این مورد فرقی بین دیه‌ی نفس و غیر آن نیست.» بنابراین در صورتی که خود مرتکب نتواند دیه را پردازد و عاقله‌ای هم نداشته باشد، و اگر عاقله دارد تمکن مالی نداشته باشد، بیت‌المال مسئول پرداخت دیه است. بنابراین اگر عاقله تمکن مالی داشته باشند ولی دیه را پردازند، منجر به پرداخت دیه از طرف بیت‌المال نخواهد شد.

۷- تغلیظ دیه

همه کسانی که با موضوع دیه سر و کار داشته‌اند احتمالاً به معنی تغلیظ دیه توجه کرده‌اند. تغلیظ دیه یعنی چه؟ تغلیظ یعنی «شدت دادن» و دیه یعنی "خون بها". بنابراین تغلیظ دیه یعنی تشدید کردن خون بها؛ تغلیظ دیه تنها برای جرم قتل صورت می‌گیرد و برای جراحات هرگز تغلیظ دیه در نظر گرفته نمی‌شود.

لازم به ذکر است که تغلیظ دیه تنها در موارد خاصی که در قانون مشخص شده است امکان‌پذیر بوده و منحصرأ در این موارد می‌توان مقدار دیه‌ی جنایات را افزایش داد. تغلیظ دیه که به معنای افزایش میزان دیه می‌باشد، در شرایطی اعمال می‌شود که قتلی در یکی از ماه‌های حرام اتفاق افتاده باشد و در این صورت، یک‌سوم به میزان دیه‌ی تعیین شده افزوده خواهد شد (عباسی، ۱۳۹۶).

مجازات اصلی به چهار دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از: مجازات حدی، مجازات تعزیری، قصاص و دیه که هر یک از موارد گفته شده، احکام و شرایط مخصوص به خود را داشته و با دیگری متفاوت‌اند. به طور کلی، مجازات دیه، جریمه‌ای نقدی است که در مورد جرایم عمدی و جرایم غیرعمدی در نظر گرفته می‌شود.

با این حال، در شرایطی ممکن است دیه‌ای که برای جرمی در نظر گرفته می‌شود، از میزان دیه تعیین شده در شرایط عادی بیشتر باشد که این موضوع بنا به قرار گرفتن در ماه‌های حرام موضوعیت پیدا می‌کند و تحت عنوان تغلیظ دیه شناخته شده است.

۷-۱- موارد تغلیظ دیه

موارد تغلیظ دیه در قانون مشخص شده است. اعمال تغلیظ دیه در دو مورد صورت می‌گیرد: قتل در ماه حرام و قتل در مکان حرام که در ادامه به بررسی هر کدام می‌پردازیم.

الف) قتل در ماه حرام

۱- اولاً برای اعمال تغلیظ دیه در ماه حرام باید ارتکاب جنایت در یکی از ماه‌های حرام یعنی «محرم، رجب، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه» صورت گرفته باشد.

۲- دومین شرط از شرایط تغلیظ دیه در ماه حرام، این است که فوت قربانی جنایت نیز در یکی از ماه‌های حرام صورت گرفته باشد. بنابراین با توجه به این دو نکته هم عمل قتل و هم مرگ باید در ماه حرام باشد تا بتوان تغلیظ دیه را اعمال کرد.

ب) قتل در مکان حرام

در صورتی که عمل قتلی در محدوده حرم مکه واقع شود، مجازات دیه‌ی نفس تغلیظ خواهد شد و افزایش پیدا خواهد کرد. سایر مکان‌های مقدس و متبرک شامل حکم تغلیظ دیه نخواهد شد.

۷-۲- مقدار تغلیظ دیه

در هر دو مورد تغلیظ دیه در ماه حرام و تغلیظ دیه در مکان حرام، مقدار دیه به میزان یک سوم افزایش خواهد یافت.

۷-۳- شرایط کلی تغلیظ دیه

برای اعمال تغلیظ دیه، مجموعه احکام و شرایط کلی مد نظر قرار می‌گیرد شرایط کلی تغلیظ دیه از قرار زیر است:

۱- در حکم تغلیظ دیه فرقی بین فرد بالغ و فرد نابالغ وجود ندارد. یعنی فرقی ندارد که مقتول، کودک باشد یا بزرگ سال، در هر صورت قتل انسان موجب تغلیظ دیه او خواهد شد.

۲- در حکم تغلیظ دیه تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. یعنی فرقی نمی‌کند که مقتول زن باشد یا مرد. مقدار دیه‌ی قتل، هر مقدار که باشد، یک سوم به آن افزوده خواهد شد.

۳- از شرایط کلی تغلیظ دیه، این که برای اعمال این حکم فرقی بین مقتول مسلمان و نامسلمان وجود ندارد.

۴- اگر جنین بعد از پیدایش روح به سبب حادثه‌ای به قتل برسد، مشمول تغلیظ دیه است.

۵- در مواردی که دیه از طرف عاقله یا بیت‌المال پرداخت شود نیز حکم تغلیظ دیه جاری است. یعنی اگر بیت‌المال یا عاقله (یعنی خویشاوندان نزدیک) محکوم به پرداخت دیه شدند، باز هم حکم تغلیظ دیه اعمال خواهد شد.

۸- نظر فقیهان در خصوص تفاوت دیه‌ی زن و مرد

در فقه، دیه‌ی زن به دو صورت مورد بررسی و فتوا قرار گرفته است. دیه‌ی نفس (بدن انسان) که مقدار دیه‌ی کامل زن و مرد است و دیه‌ی عضو (عضوی از بدن انسان).

۸-۱- دیه‌ی نفس

فقه‌های شیعه، دیه‌ی جنایت بر زن مسلمان را نصف دیه‌ی مرد دانسته‌اند. به گفته‌ی شیخ مفید، اگر زنی به دست مردی کشته شود، در صورتی که موجب دیه بشود، قاتل باید نیمی از دیه را پردازد. همچنین، فقیهان معاصر نظیر امام خمینی و آیت‌الله خویی، نیز همین نظر را دارند. فقیهان دیگر مذاهب اسلامی در نصف بودن دیه‌ی زن مانند فقیهان شیعه فتوا داده‌اند و به گفته‌ی شیخ طوسی همه فقها به غیر از ابن علی و اصم بر این رأی اتفاق نظر دارند. همچنین، گفته شده که پیش از اسلام نیز در میان قبایل عرب دیه زن، نیمی از دیه مرد بوده است.

البته آیت‌الله صانعی و محمدابراهیم جناتی از فقه‌های شیعه و ابن علی و اصم، از فقه‌های اهل سنت دیه‌ی زن و مرد را برابر دانسته‌اند. همچنین، به مقدس اردبیلی نیز نسبت داده شده که وی نیز قائل به تساوی دیه زن و مرد بوده است.

۸-۲- دیه‌ی اعضا

در صورتی که مقدار دیه‌ی زن به یک سوم دیه‌ی کامل نرسیده باشد، از نظر فقیهان شیعه، دیه‌ی زن و مرد برابر است. البته فقه‌های مالکی و حنبلی برابری دیه‌ی زن و مرد تا یک سوم دیه‌ی مرد را نپذیرفته‌اند.

۹- دلایل

قائلین به نصف بودن دیه‌ی زن نسبت به مرد و قائلین به برابری دیه‌ی زن و مرد دلایلی را بر فتوای خود عنوان نموده‌اند.

۱۰- ادله قرآنی

فقیهان به برخی از عبارات قرآن در خصوص دیه‌ی زن استناد نموده‌اند. محمد صادقی تهرانی معتقد است عبارت «وَأَلَّتْ نَفْسٌ بِأَلَّتْ» در آیه ۱۷۸ سوره بقره حاکی از تفاوت دیه‌ی زن و مرد است که عبارت «الْأَنْفُسُ بِالْأَنْفُسِ» آیه ۴۵ سوره مائده را نسخ می‌کند. آیه ۴۵ سوره مائده در صدد بیان حکم تورات است، اما آیه ۱۷۸ سوره بقره حکمی قرآنی است. در مقابل فقیهانی که به برابری دیه‌ی زن و مرد قائلند گفته‌اند در آیه ۹۲ سوره نساء به دیه انسان اشاره دارد و آیه مذکور دلیل بر یکسان بودن دیه همه انسان‌هاست و کلمه «مَنْ» دلالت بر مرد و زن دارد. آیت‌الله صانعی نیز معتقد است دلیلی برای استثناء به مفهوم بدون قید آیه وجود ندارد (احسانی، ۱۳۹۰).

۱۱- روایات مرتبط

قائلین به نصف بودن دیه‌ی زن نسبت به مرد، به روایات متعددی استناد کرده‌اند، از جمله حدیثی که عبدالله بن مسکان از امام صادق (ع) نقل کرده و همچنین، صحیح‌ه حلبی که در این دو حدیث دیه‌ی زن، نصف دیه‌ی مرد دانسته شده است. به گفته عده‌ای از محققان روایات مذکور، یا صحیح‌ه‌اند یا موثق و یا متواترند یا مستفیضه. همچنین، به روایات موجود در موضوع قصاص نیز استناد شده است (حرعاملی، ۱۳۸۷).

آیت‌الله صانعی ضمن بررسی روایات مذکور، این روایات را از منظر سندی و یا محتوایی غیرقابل استناد دانسته است. برخی محققان در نقد روش آیت‌الله صانعی گفته‌اند که روایات بیانگر مسائل جزئی و فرعی آیات هستند و زمانی استناد به قرآن بدون روایات صحیح است که از وجود روایت مایوس شویم. دیگر این که در این بررسی، تمامی روایات بررسی نشده و برخی از روایات بررسی شده، با وجود این که صحیح‌ه‌اند، به دلیل ناسازگاری با اطلاق قرآن، رد شده‌اند که مقبول نیست. از دیگر اشکالات بر روایات نصف بودن دیه‌ی زن، یکی از روایان آن به نام محمد بن عیسی بن عبید است. در پاسخ گفته شده، روایات بسیاری درباره نصف بودن دیه‌ی زن موجود است که نام محمد بن عیسی در میان

راویان آنها نیست. همچنین، بزرگان حدیث ایراد بر راوی مذکور را نپذیرفته و محقق اردبیلی از این روایت با عنوان صحیح‌ه یاد کرده است.

ابوبکر اصم و ابن‌علیه نیز در مورد برابری دیه‌ی زن و مرد به روایاتی که پیامبر اسلام (ص) دیه‌ی انسان را بدون ذکر مرد یا زن بودن یکصد شتر قرار داده است استناد نموده‌اند. (حسینی اشکوری، ۱۳۸۵)

۱۲- اجماع فقها

اجماع دلیل دیگری که فقیهان آن را مبنای نصف‌بودن دیه‌ی زن نسبت به مرد قرار داده‌اند. گفته شده، اجماع تنها در میان فقهای اهل سنت مورد استناد است و در میان اصولیون شیعه جایگاهی ندارد و به دلیل این که اجماع مدرکی است، فاقد اعتبار است. آیت‌الله صانعی نیز اجماع که دلیل دیگر فتوای نابرابری دیه‌ی زن و مرد است را نیز مورد نقد قرار داده، فقیهی که اجماع را نقل نموده را مردد و اجماع را هم مدرکی (اجماع همه فقیهان بر اساس مدارک موجود در پیرامون موضوع) دانسته و آن را رد می‌کند.

۱۳- حکمت تنصیف دیه‌ی زن

آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۸۶) از این که در قرآن کریم انسان‌هایی نظیر عالم و جاهل مساوی دانسته نشده و دیه‌ی آن‌ها برابر است نتیجه می‌گیرد که دیه به ارزش افراد وابسته نیست و تساوی دیه‌ی عالم با جاهل نه بر منزلت جاهل اضافه می‌کند و نه از مقام عالم می‌کاهد، در زن و مرد نیز این گونه است (سلطانی، ۱۳۹۵). آیت‌الله مکارم، موسوی بجنوردی و محقق داماد یکی از علت‌های نصف‌بودن دیه‌ی زن نسبت به مرد را نان‌آور بودن مردان (مسأله اقتصادی نه انسانی) دانسته‌اند. سید محمد حسینی شیرازی نیز معتقد است تفاوت دیه‌ی زن و مرد، تفاوت حقوق آن‌ها نیست؛ بلکه زن بخشی از حقوق را به صورت مباشر به دست می‌آورد و بخشی را از طریق مرد که تکفل وی را بر عهده دارد. عده‌ای نیز این حکم را بر اساس فطرت انسانی و عمل خلاف فطرت را (برای مثال کار کردن زن) عاملی بر تغییر حکم نمی‌دانند. آیت‌الله صانعی فلسفه‌ای که فقیهان درباره نصف‌بودن دیه‌ی زن نسبت به مرد عنوان نموده‌اند، استحسان دانسته و آن را با واقعیات جامعه امروز مطابق نمی‌دانند (مزینجانی و عارفیان، ۱۳۹۶).

۱۴- قانون

دیه‌ی زن در قانون مجازات اسلامی نیز آمده است. بنابر ماده ۳۸۲ قانون مجازات اسلامی، اگر مرد مسلمانی، زن مسلمانی را عمداً بکشد، برای اجرای قصاص باید ولی زن پیش از قصاص قاتل، نصف دیه‌ی مرد را به او بپردازد. همچنین، بنابر قانون مجازات اسلامی، «زن و مرد مسلمان، در قصاص عضو برابرنند... لکن اگر دیه‌ی جنایت وارد بر زن، مساوی یا بیش از ثلث دیه‌ی کامل باشد، قصاص پس از پرداخت نصف دیه اجرا می‌شود.» بنا بر ماده ۵۶۰ قانون مجازات اسلامی نیز، دیه‌ی زن تا کمتر از ثلث دیه‌ی کامل مرد، یکسان است و چنان‌چه ثلث یا بیشتر شود، دیه‌ی زن به نصف تقلیل می‌یابد.

در سال ۱۳۹۲ به ماده ۵۵۱ تبصره‌ای اضافه شد: «در کلیه جنایاتی که مجنی‌علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه‌ی مرد از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود.» پس از آن در قانونی که تحت عنوان رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۸ ش مقرر و از ۱۱ تیرماه همان سال اجرا شد، مابه‌التفاوت دیه‌ی زن و مرد در تمام انواع دیه از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌گردد (صادقی، ۱۳۹۸).

نتیجه‌گیری

دیه مالی است که برای جنایت بر نفس یا عضو از طرف شارع مقرر و معین گردیده است (خویی، ۱۴۲۸ ه.ق) و یکی از بحث‌انگیزترین مباحث این حوزه، نابرابری دیه‌ی زن و مرد بر اساس دیدگاه مشهور فقهاست که در قانون مجازات اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ در مواد مختلف جهت حل مشکلات عملی ناشی از عدم تساوی دیه‌ی زن و مرد، راهکارهایی چون پرداخت مابه‌التفاوت دیه‌ی زنان نسبت به دیه‌ی کامل از صندوق تأمین خسارات بدنی و نیز پرداخت فاضل دیه جهت اجرای قصاص نفس قتل زنان در برخی شرایط را از بیت‌المال پیش‌بینی نموده است. لکن مسأله‌ی اصلی در خصوص نابرابری دیه‌ی زن و مرد همچنان پابرجاست. هر چند آیه‌ی ۹۲ سوره‌ی نساء در خصوص مقدار دیه‌ی زن و مرد سکوت نموده و تفاوتی از جهت جنسیت میان افراد قائل نگردیده است، اما برخی روایات بر نابرابری جنسیتی دیه، دلالت دارند. روایات گروه اول که با دلالت مطابقی دال بر تنصیف دیه بر مبنای جنسیت می‌باشند مشتمل بر سه روایت نقل شده از امام صادق (ع) هستند. بر این اساس ایشان در روایتی دیه‌ی زن را نصف دیه‌ی مرد دانسته‌اند و نیز در روایتی دیگر، دیه‌ی جنین را به نحوی تبیین نموده‌اند که پس از دمیدن روح، دیه‌ی جنین مؤنث، نصف دیه‌ی کامل خواهد بود. همچنین، در روایتی دیگر از ایشان نقل گردیده که اگر مردی، زنی را که در حال زایمان است به اشتباه بکشد، پنج هزار درهم به عنوان دیه‌ی زن بر عهده مرد است و برای فرزند، یک برده مرد یا زن و یا چهل دینار دیه تعلق می‌گیرد. با توجه به اشکال در سند این روایات و نیز وثاقت برخی از بیان‌کنندگان آن‌ها و نیز اختصاص روایت سوم بر موضوعی خاص و عدم قابلیت تعمیم آن به موارد مشابه و نیز عدم هماهنگی محتوای آن با فتوای اصحاب، اعتبار این روایات مخدوش می‌گردد. دسته دوم روایات ناظر بر مواردی است که قصاص مرد آزاد در برابر زن آزاده را منوط به پرداخت نیمی از دیه به خانواده مرد مقتول نموده است که این امر نیز جز در صورتی که دیه‌ی زن، نصف دیه‌ی مرد باشد، وجهی ندارد. لکن صرف نظر از آن که در متن قرآن نمی‌توان به آیه‌ی صریحی دال بر تنصیف دیه‌ی زن در برابر مرد دست یافت، به دلیل مغایرت این روایت با محتوای احکام مندرج در قرآن کریم، در قابلیت استناد به این روایت نیز تردید به وجود می‌آید. سندیت دسته سوم روایات نیز که دیه‌ی اعضای بدن زن و مرد را تا یک سوم دیه‌ی کامل، برابر و پس از آن نصف دانسته است، نیز مورد تردید می‌باشد. نتیجه آن که اشکال‌های وارد بر روایات مورد بحث و نیز تردید در تحقق اجماع و تغییر در وجوه عقلی و استحسانی ناظر بر تفاوت دیه‌ی زن و مرد که دال بر پایین‌تر بودن ارزش زن نسبت به مرد و نیز جایگاه اجتماعی و اقتصادی خاص وی در جامعه می‌باشد، موجب تضعیف قابلیت استناد ادله فوق‌الذکر گردیده است. از سوی دیگر، وفق نص صریح قرآن و بسیاری از روایات نبوی، ارزش انسان به انسانیت او است و این کتاب بر برابری میان زن و مرد و تساوی ضمانت اجرای اعمال نیک و بد افراد تأکید نموده است. همچنین، آیه ۱۷۸ سوره‌ی بقره در جهت توجیه اصل شخصی بودن مجازات‌ها و لزوم تحمل مجازات عمل مجرمانه توسط خود مرتکب قابل تفسیر است و نه برابری جنسیتی در اعمال مجازات. در نهایت آن که تفاوت کارکرد اقتصادی زن و مرد، امری متغیر است و در جوامع مختلف و فرهنگ‌های گوناگون، شکلی ثابت ندارد و امروزه نظام اقتصادی خانواده شکل دیگری به خود گرفته است. لذا با توجه به تأکید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر تساوی افراد اعم از زن و مرد و صدور حکم مشابه در خصوص تساوی دیه‌ی غیرمسلمان با مسلمان با استناد به حکم حکومتی مقام معظم رهبری توسط مجمع تشخیص مصلحت در سال ۱۳۸۴، قانون‌گذار می‌تواند بر اساس مصالح عمومی و ضروری جامعه با توجه به معیارهایی مانند نظم عمومی، مذهب، آداب، فرهنگ و اخلاق، دیه‌ی زن را برابر با دیه‌ی قانونی مرد تعیین نماید.

منابع

- احسانی، محمدیاسین. (۱۳۹۰). *تفاوت دیه زن و مرد از دیدگاه مذاهب اسلامی*، قم: نشرالمصطفی.
- اصغری، عبدالرضا، قانع، امیررضا و نورمندی‌پور، عباس. (۱۳۹۴). *بررسی ادله تفاوت دیه زن و مرد در فقه امامیه، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ۲۱(۳)، ۱۵۹-۱۸۴.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۴۳۴ ق). *تحریرالوسیله*، چاپ سوم، تهران: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). *زن در آئینه جلال و جمال*، قم: نشر اسرا.
- حاجی‌ده‌آبادی، احمد. (۱۳۸۸). *قصاص و دیه زن، فصلنامه حقوق اسلامی*، ۶(۲۲)، ۱۵۱-۱۸۱.
- حراملی، محمدبن‌حسن. (۱۳۸۷). *وسایل‌الشیعه الی تحصیل مسائل‌الشریعه*، تهران: نشر اسلامی.
- حسینی‌اشکوری، سید علی. (۱۳۸۵). *دیه زن، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، ۳(۳)، ۳۵-۴۰.
- خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۲۸ ق). *مبانی تکمله‌المنهاج*، چاپ سوم، قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی.
- سلطانی، قدرت‌الله. (۱۳۹۵). *مبانی تصنیف دیه زن موافقان و مخالفان*، تهران: نشر فرهنگ سبز.
- صادقی، محمدهادی. (۱۳۹۸). *حقوق جزای اختصاصی؛ جرائم علیه اشخاص (صدمات جسمانی)*، جلد اول، تهران: نشر میزان
- عباسی، عاطفه. (۱۳۹۶). *نقد و بررسی نابرابری دیه زن و مرد در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه زنان*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۸(۲)، ۸۵-۱۰۷.
- قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲.
- قرآن کریم.
- مزینانی، حسین و عارفیان، غلامرضا. (۱۳۹۶). *بررسی قصاص زن و مرد از دیدگاه فقهی و مجازات قانون اساسی*، فصلنامه مطالعات علوم سیاسی حقوق و فقه، ۳(۱)، ۱۰۷-۱۳۰.